سندباد نامه منظوم

نویسنده : آل داود، سید علی

سندبادنامه منظوم. سروده عضد یزدی. به تصحیح دکتر محمدجعفر محجوب. تهران. انتشارات توس. مجموعه گنجینه متون داستانی. زیرنظر ایرج افشار. 1381. 312 صفحه.

منظومه سندبادنامه، سروده عضد یزدی، شاعر سده هشتم هجری، نخستین اثری است که انتشارات توس با عنوان کلّی «گنجینه متون داستانی» زیرنظر استاد ایرج افشار در دست چاپ دارد. در این مجموعه قرار است داستانهای عامه‏پسند ادبیات فارسی که در طول قرون و اعصار بیشتر مورد اقبال و توجه مردم عادی قرار داشته و آنها را یا خود می‏خواندند و یا بی‏سوادان از نقالان و سخنوران در قهوه‏خانه‏ها و چایخانه‏ها و سایر اماکن عمومی می‏شنیدند، به شکلی منقّح و مضبوط به چاپ برساند. تعدادی از اینگونه آثار به سبب رواج و شهرتی که داشت از آغاز پیدایش فن چاپ نخست در هند و سپس در ایران به صورت سنگی و یا سربی به چاپ رسیده، اما این چاپها اغلب بازاری و مغلوط است و فقط از تعداد اندکی چاپ انتقادی در دست است. بنابراین عرضه و انتشار طبع مطلوب انتقادی این کتابها، قدم اساسی در راه آشنایی عموم علاقمندان با آثار داستانیِ ادبی و عامیانه ادب فارسی است.

موضوع سندبادنامه منظوم ـ نخستین اثر این مجموعه ـ داستانها و افسانه‏های مربوط به مکر زنان است که در ادبیات کشورهای شرقی پیشینه‏ای دراز دارد. از جمله در ادبیات فارسی و عربی و پیش از آن در ادب زبانهای هندی آثار و نمونه‏های متعدد در این زمینه در دست است. چنانکه بخشی از هزار و یک شب اختصاص به داستانها و افسانه‏های مکر زنان دارد. لیکن موضوع این سندبادنامه با داستانهای مربوط به سندباد حکیم در هزار و یک شب متفاوت و از مقوله‏ای دیگر است. پیش از آنکه عضد یزدی روایتی از این منظومه را به شعر درآورد، ظهیری سمرقندی، از ادبای قبل از وی، این داستان را به نثر پارسی نوشته لیکن سبک نگارش او مصنوع و پرتکلّف است، سندبادنامه منثور سالها پیش به اهتمام احمد آتش، استاد فقید دانشگاه استانبول، به طبع انتقادی رسیده است.

عضد یزدی سراینده این منظومه ظاهرا آن را از روی روایتی دیگر که با سندبادنامه منثور تفاوتهایی دارد به نظم درآورد و کار خود را به سال 776 ه ، یعنی در شصت سالگی، به انجام رساند. از این شاعر اطلاع زیادی نداریم و روان‏شاد دکتر محجوب با جستجوی بسیار، اندکی از احوال او را به دست آورده است. وی پسری به نام سید جلال عضد داشته که در شاعری از شهرت بسیاری برخوردار است و احوال او با زندگینامه پدرش درهم آمیخته است. دیوان سید جلال عضد چند سال پیش به طبع رسیده است. براساس پژوهشهای دکتر محجوب، سید عضد شاعر دربار ابواسحاق اینجو بوده و حکایاتی که نشان‏دهنده ارتباط او با دربار مبارزالدین محمد در اوان کودکی وی است و دولتشاه و مفید بافقی به آن اشاره کرده‏اند صحیح نیست.

سندبادنامه به کوشش دکتر محجوب بر اساس نسخه‏ای منحصر به فرد و ناقص تصحیح شده و تعداد ابیات آن بالغ بر 4159 بیت است. تصحیح کتاب مذکور ظاهرا جزو آخرین کارهای آن مرحوم است و انصافا در زمینه تصحیح و تحلیل تفصیلی مندرجات کتاب و تعیین جایگاه واقعی آن در میان انبوه آثار ادبی فارسی از ذکر نکته‏ای فروگذار نشده است. محجوب در زمینه شناسایی آثار ادب عامیانه فارسی تبحّری کم‏نظیر داشت و متون مربوط به آن را به خوبی می‏شناخت و بسیاری را بررسی کرده بود و در این باره چند دهه پیش سلسله مقالات مفصلی در شماره‏های متعدد مجله سخن نوشت. جا دارد مقالات مذکور به همت خانواده و شاگردانش گردآوری و چاپ شود.

در مقدمه مفصل مصحح بر سندبادنامه مطالب مفصلی در باب منظومه و شاعر آن درج شده است. عضد یزدی علی‏رغم شهرت کم، شاعری گزیده‏گو و تیزبین است. او با آنکه اصل داستان را از منابع کهن برگرفته ولی ضمن طرح مطالب گوناگون، دیدگاه خود را درباره آنها ارائه می‏دهد، او شاعر زمانه خود است و در جای‏جایِ کتابش به قضایای اجتماعی و اعتقادات مردم آن روزگار اشاره‏هایی دارد. از جمله در انتقاد از اوضاع روز چنین می‏گوید:

|  |  |
| --- | --- |
| درین عهدِ وارون و دورِ زبون | که از عهده وعده آید برون؟ |
| که مرد فرومایه دارند دوست | دغل‏پیشه و وعده کج‏دهْ نکوست |
| نژاد پدرشان ندانسته کس | به هم برزند عادت نیک و بس |
| به بیگانگان خانه پرداختن | بود خانه خود برانداختن |
| دغل‏پیشگان را حمایت مکن | رعیّت برافتد، رعایت مکن |

شاعر دیدگاهی همانند پردازندگان داستانهای سندباد در خصوص زنان دارد:

|  |  |
| --- | --- |
| از آن زن بپرهیز و گیر اعتبار | که از شیخ و واعظ نگیرد کنار |
| بترس از زن زاهد خرقه‏پوش | خنک شاهدی بی‏زن جرعه‏نوش |
| زن و خانقاه، این چه بازی بود | امام زنان کی نمازی بود؟ |
| بگو بند بر ریش شوهر مبند | از این بیش بر ریش شوهر مخند |
| سماع و زن و مطرب و خانقاه | چه محتاجِ برهان، چه جای گواه |

شاعر گاه ضمن داستان‏سراییها، وارد مقولات انتقادی و اجتماعی شده و نظرات خود را گاه به تصریح و برخی اوقات به اشاره بازمی‏گوید. او شاعری است معاصر حافظ و همچون او عصر اختناق‏آمیز مبارزالدین محمد را تجربه کرده و سپس به دوران شاه‏شجاع رسیده که عصر روشنگری و آزادی و تسامح مذهبی بود و در مقایسه با حکومتهای ادوار پیشین، آسایش و فراغی برای طبقات اجتماع فراهم آمده بود. وی به کنایه از این دوران یاد می‏کند و به نکوهش مبارزالدین می‏پردازد.

نسخه خطی منحصر به فرد سندبادنامه منظوم ناقص است و برخی اوراق آن افتاده و در توالی داستان گسستهایی ایجاد شده است. از این‏رو روان‏شاد دکتر محجوب دست به ابتکار غریبی زده و برای تکمیل منظومه و رفع نقص آن از آقای محمد جلالی چیمه، یکی از شاعران ایرانی مقیم پاریس، مدد خواسته و ایشان قسمتهای محذوف را از سندبادنامه منثور ظهیری سمرقندی استخراج و به شعر درآورده است. دکتر محجوب توضیح می‏دهد که برای تفکیک متن کهن از سروده‏های تازه، ابیات آقای جلالی را داخل قلاب قرار داده و وانگهی حروفچینی آنها در چاپ متفاوت خواهد بود. اینک، در چاپ حاضر، ناشر محترم قلاّبها را به کلی حذف کرده و فقط نوع حروف‏چینی متفاوت را باقی گذارده است.

تکمیل منظومه ناقصِ کهن به صورت فعلی و آن هم به اهتمام استادی ورزیده و آشنا، پدیده تازه‏ای است که راقم این سطور تاکنون به آن برنخورده بود، اگر این کار جایز می‏بود، بایستی شادروان پروفسور محمّد شفیع، یابنده و چاپ‏کننده وامق و عذرای عنصری آن را براساس منظومه‏های متعدد وامق و عذرا که پس از عنصری سروده شده تکمیل می‏کرد تا داستان را به صورت کامل آن عرضه نماید؛ و هکذا بسیاری از متون معتبر نظم و نثر ادب فارسی همین وضعیت را دارد. از نوآمدگان وادی تحقیق متون اتخاذ چنین سلایقی عجیب نیست، ولی از مرحوم محجوب انتخاب این شیوه شگفتی بسیار دارد. دور نیست که در چاپهای دیگر، نوع حروف سراسر کتاب یکسان شود و آن وقت در ادوار بعد، باید پژوهشگری وقت بسیار صرف کند تا اشعار منظومه عضد یزدی (شاعر قرن 8) را از افزوده‏های جلالی چیمه (شاعر قرن 15) تفکیک نماید.

سیدعلی آل‏داود